

دیروز

دوازدهم بهمن، سالروز بازگشت امام خمینی به ایران:

ما چه می‌کردیم اگر تو نمی‌آمدی؟ ما که در فراز و نشیب تاریخ بار هجرانی به سنگینی غل‌ها و زنجیر هایمان کشیده بودیم و جرعه‌ای از زلال وصل در مسیر پر مخاطره و ناگزیر خویش نچشیده بودیم.

ما که بر پای جگر، نشان از تاول سنگلاخهای سیمگین ستم داشتیم.

ما که جراحت دیروز زمان را دشنه امروز تازه می‌کرد. ضربان قلبمان آمدنت را لحظه شماری می‌کرد.

سینه‌های شرحه شرحه از فراقمان را فرا دست هایمان گرفته بودیم تا وقتی تو از بام خانه‌ها گذر می‌کنی که بر مهبط چشم‌های عطشناک و قلب‌های منتظر

فرود آیی ببینی که این انتظار، انتظار روز و هفته و سال نیست و این اشتیاق، اشتیاق کوتاه پارسال و امسال نیست.

آمدنت باری هجرت از دیاری به دیاری نبود و نه حتی رجعتی به وطن از بی سال‌های درد و فرقت که آمدنت، ظهور نور بود در بی یلدای ظلمت بی‌روزن.

بیست و دوم بهمن، سالروز پیروزی انقلاب اسلامی

پیروزی ۲۲ بهمن، میوه نهالی بود که در ۱۵ خرداد ۴۲ در لاله زار میهن ما کاشته شد و سال‌ها جهاد و شهادت آزادگان ما، آن را آبیاری کرد تا در بهمن ۵۷ بهار آفرین قرن‌های خزان

گردد.

سالگرد پیروزی انقلاب، تداعی حضور ایمان در متن حیات اجتماعی است.

۲۲ بهمن، ثمر آن یدزی بود که در طول ۱۵ سال در خون شهیدان خیس خورد و نگاه‌های معصوم خانواده‌های زندانیان سیاسی و رنج مقدس مسافرایین و فریادهای خونی امت خداجوی ما، آن را به بار نشانند.

۲۲ بهمن فهرست فشرده نهضت ما از نیمه خرداد تا پیروزی است.

۲۲ بهمن، «عید ظفر» است. در این روز بود که ملت ایران، میلادی نوین یافت و سرمه شریعت بر دیدگان بصیرت خویش کشید و امامت و ولایت را به شایسته‌ترین وجه، گردن نهاد و چه خون‌ها و عزیزانی در این راه داد(۲).

اول ذی القعدة: ولادت حضرت معصومه (س)



عصمت قم و چشمه کویر، حرم حضرت معصومه سلام الله علیها است. او فاطمه سلام الله علیها ثانی است که فقیهان و بزرگان، آستان بوس حرم اویند. مزارش بهشتی از معنویت و صفا و چشمه‌ای از فیض و کرامت است.

برکت از حریم و حرمش می‌جوشد و عصمت و عفاف و رهنوشه زائران اوست. معصومه سلام الله علیها، عصمت اهل ولاست و حرمت، آشیانه آل محمد صل الله علیه و آله.

فاطمه معصومه سلام الله علیها جلوه دوباره زهرای اطهر سلام الله علیها است و شکوه بارگاه رفیعش تسلی بخش سوخته دلان بر مزار پنهان فاطمه زهرا سلام الله علیها است.

عمه سادات، سلام علیک روح عبادات سلام علیک عمه سادات بگو کیستی!

فاطمه یا زینب ثانی سنی یازدهم ذی القعدة: ولادت امام رئوف، حضرت رضا (ع) نگارا جز غمت در جان ما نیست که دل غیر از سر کویت رضا نیست تو را دارم مرا خود غم نباشد رضا دارم اگر عالم نباشد ندارم مهر دیگر جز رخ ماه

اگرچه دورم از دیارت ای شاه غریبان، مستندان، پیشوایان شهنی داریم ما خیل گدایان لب حوضش نمی‌دانم چه بسیار لباس عاقبت پوشیده بیمار

نباشد با کسی کارم رضا جان تو را دارم تو را دارم رضا جان

هفدهم ذی القعدة: وفات ایه الله عبد الکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم ۱۳۵۵ ق

دار العبادت یزد، سرزمین پرخطر است. در ۶۰ کیلومتری یزد در روستای «مهرجرد» مرد پاکدلی به نام محمد جعفر که همه او را به تقوی می‌شناختند زندگی می‌کرد. سال‌ها از ازدواج او می‌گذشت اما انتظار فرزنددار شدن او جامه تحقق نپوشید.

با رضایت همسرش تصمیم گرفت با بیوه زنی که فرزند یتیمی داشت ازدواج کند. در ابتدای ورود به خانه



همسر جدید، چشم محمد جعفر به دخترک یتیم زن افتاد که گوشه‌ای ایستاده و اشک‌های گره خورده‌اش بر گونه‌های معصومش می‌غلطید. او که تحمل دیدن گریه طفل یتیم را نداشت، بی‌درنگ بازگشت. به مسجّد شتافت و

دامن پر مهر دانش خویش، عالمان و ارسته‌ای را که هر یک به مشابه گوهری گرانبها بودند به ساحل نشینان تشنه گنج معنویت ارزانی داشت. او پایگاه بزرگ اسلام بود که در عرصه‌های سیاسی جهاد علیه سوجدویان را سامان

«مرتضی» بود. فرزند «رضا» بود راضی به قضا بود. در خردسالی به امامت رسید. در نوجوانی، رهگشای معضلات فکری، فقهی و اعتقادی امت بود. دشوارترین سؤال‌ها را بی‌درنگ جواب می‌گفت و علمش الهی بود و وصل به

می‌آید ● فردا که آفتاب نمایان شود، مرد بهار، مرد بهار آفرین خواهد آمد. فردا که او بیاید، باران زیاد می‌شود و گیاهان جامه سبز بهاری به تن می‌کنند و همه درختان بسیار می‌نشینند و حالت زمین دگرگون

اهل آسمان و زمین، مرغان و ماهیان دریا، مسرور می‌شوند به او؛ زمین ثمره خود را مضاعف می‌کند و گنج‌های خود را بیرون می‌ریزد. در میان درندگان و بهایم صلح می‌شود. تا این که زن راه می‌رود میان عراق و



پریشان حال با حضرتش نجوا کرد. خلوص و صفای دل محمد جعفر با زبان نیایش او به هم آمیخت و دعایش مستجاب شد. سال بعد خانه پر از صفای او به نور جمال کودکی منور شد. پدر که کودک را کرامتی از سوی حق می‌دانست او را «عبد الکریم» نام نهاد و عید الکریم پس از سال‌ها، خود وسیله گسترش فیض و کرامت الهی بر بندگان خدا گردید. شیخ عبد الکریم حائری در

داد. و در دل ظلمت‌های سهمگین چون گوهر شب چراغ درخشید. ۲۹ ذی القعدة، شهادت امام جواد علیه السلام (۲۲۰ قمری) سخاوت باران را داشت و کرامت دریا را و زلالی آب را. «جود» قطره‌ای بود در پیشانی بلندش و «علم» غنچه‌ای بود از گلستان وجودش و «حلم» گوهری بود از گنجینه فضایلش. پیشوایی که «جواد» بود «تقی» بود «مُنتخب» بود

دریا. سرانجام، آن «مولا» با شهادتش اهل «ولا» را به هجران و سوگ نشاناند. سلام بر امام محمد تقی علیه السلام که جوادِ امامان و امامِ جوادان بود (۳). **فردا** ● در چشم من، مرد است با دستاری از باران من تشنه‌ام، او، آری، آری، آری از باران از سال‌های دور می‌گویند می‌آید در چشم من، مردی است با لبخند

می‌شود... «يَوْمَ تَبْدِلُ الْأَرْضَ غَيْرِ الْأَرْضِ». ● و کاش مرد غزل خوان شهر برگردد به زیر بارش باران شهر برگردد چه می‌شود اگر مرد آسمانی ما به جمع خاکی خویان شهر برگردد و گفته‌اند که آقای عشق خوش قدم است به یمن مقدمش، ایمان شهر برگردد هنوز منتظر یک نفر خبر بدهند که باز یوسف کنعان شهر برگردد ● فردا که آخرین سوار در جاده خدا، از سفر بیاید؛

شام، در حالی که پای را مگر بر گیاه نمی‌گذارد. در نره‌ای او را به هیجان نمی‌آورد و او را نمی‌ترساند.

● پرنده‌ها که بیایند، یار می‌آید شکوفه پوش زجاده سوار می‌آید هزار باغ پس غنچه لبش پیداست بهار با کلمات قصار می‌آید

پی‌نوشت
۱ - از کتاب حلفات، آقای جواد محدثی.
۲ - برگرفته از کتاب قطعات، استاد جواد محدثی.
۳ - از کتاب قطعات، استاد محدثی.

